

سیمای حکومت نبوی

(ویرایش دوم)

گروه مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۲۸۰

شماره مسلسل: ۷۵۲۳

بهمن ماه ۱۳۸۵

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	طرح مسأله
۳	دارالندوه
۴	تقسیم کار در مکه
۵	ویژگی اجتماعی مکه در آستانه بعثت
۵	یثرب در آستانه هجرت
۵	استقرار حکومت اسلامی
۶	پیمان برادری
۶	مراحل تأسیس سازمان اداری
۷	مرکز حکومت اسلامی
۸	مدیریت حکومتی
۸	تبیین مدیریت حکومتی
۹	وظایف حکومت اسلامی
۱۲	تشکیل حکومت اسلامی
۱۳	وزارت در حکومت اسلامی
۱۶	سازمان و سازماندهی حکومتی
۱۸	مؤسسه آموزش
۱۹	سازمان اداری
۱۹	سازمان قضائی
۲۲	سازمان فنی
۲۲	سازمان مالی
۲۵	روابط خارجی
۲۸	سازمان نظامی
۳۴	سازمان تبلیغات
۳۶	سازمان امنیتی
۳۷	نظارت حکومتی
۳۸	راهبرد حکومتی
۳۹	تقسیم کار حکومتی
۴۳	معیار انتخاب حکومتی
۴۴	واگذاری اختیار حکومتی
۴۷	سلسله مراتب حکومتی
۴۸	اصول حکومت نبوی
۵۱	منابع و مأخذ

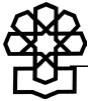


سیمای حکومت نبوی (ویرایش دوم)

مقدمه

این گزارش دیباچه‌ای برای بیان سیمای حکومت نبوی و هدف آن تبیین ساختار حکومتی آن حضرت است. ساختار حکومتی از تاریخ دینی استخراج شده و سیمای حکومتی با مطالعه و بررسی عهدنامه‌ها تبیین گردیده است. با طرح این موضوع، ساختار حکومت اسلامی در حوزه‌های مختلف توجیه می‌شود. بنابراین اگر با تأملاتی در سیره رسول گرامی اسلام (ص) مدلی از حکومت نبوی تهیه شود، بدیهی است که حکومت اسلامی الگوی مناسبی خواهد داشت.

در این گزارش مواردی از مدیریت حکومتی بر پایه مدیریت اسلامی بیان شده و سپس ارکان حکومت اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است. نکته مهم بررسی استراتژی در پیکارها و نحوه تقسیم کار حکومتی است. بحث معیار انتخاب و واگذاری اختیار در کنار سلسله مراتب حکومتی از اهمیت ویژه برخوردار است که در مجموع مسأله تأثیرپذیری و تأثیرگذاری حکومتی را در حکومت نبوی بیان می‌کند.



طرح مسأله

نیاز به حکومت، نیاز فطری بشر است و پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه به ایجاد دولت اسلامی اقدام کرد که طبق نیاز فطری بود.^۱ جالب این‌که تشکیل دولت اسلامی خوش اقبال بود و با پرسش عمومی مردم مواجه نشد. تشکیل حکومت اسلامی به حدی مقبولیت عمومی یافت که پس از رحلت پیامبر (ص) هیچ یک از اقدامات حکومت نبوی از دستور نیفتاد.^۲ یعنی همه در این اصل اتفاق نظر داشتند که چرخه حکومت اسلامی بدون گرداننده آن فرضی ناتمام است. پس دولت اسلامی مستلزم حکمرانی اسلامی است و اگر فرض شود که دولت اسلامی فاقد حکمرانی اسلامی باشد، در حقیقت دولت اسلامی به وجود نیامده است.

اسلام در حوزه‌های مختلف و برای تحقق بخشیدن هدف‌های خود به تشکیل حکومت نیاز دارد. مانند زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عبادی که بدون ایجاد حکومت اسلامی شکل نمی‌گیرد.

امام خمینی (ره) در مواردی مانند وجود احکام مالی، دفاع ملی، احقاق حقوق و احکام جزایی در متن دین و شریعت را مبنای لزوم تشکیل حکومت دانسته است. او در لزوم تشکیل حکومت به دو اصل استناد کرده است:^۳

الف) پیامبر (ص) حکومت اسلامی را خودش تشکیل داد.

ب) به فرمان خدا برای پس از خود حاکم اسلامی تعیین کرد.

بدیهی است چنانچه تشکیل حکومت اسلامی بایسته باشد، قهراً نظام و تشکیلاتی لازم دارد. این تشکیلات بر تعیین حاکم، تبیین شرایط صلاحیت‌ها، اختیارات و

۱. سوره روم، آیه ۲۰.

۲. بررسی‌های اسلامی، ص ۱۷۷.

۳. ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، ص ۲۰.



اوصاف کارگزاران نظارت خواهد کرد. همچنین صلاحیت‌ها و رابطه حاکم با مردم باید طبق ضوابطی باشد تا دچار بی‌انضباطی نشود.

اعراب حجاز مردمی بدوی بودند و به معنای عمیق کلمه سازمان اداری نداشتند. البته شهر مکه، مدینه و طائف وضعیت میانه‌ای نسبت به بقیه در شهرنشینی و تمدن داشتند. یعنی وضعیت زندگی آنان حد فاصل زندگی شهری و قبیله‌ای بوده است.

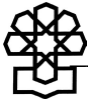
شهر مکه به صورت قبیله‌ای اداره می‌شد و هر قبیله محله‌ای را در اختیار داشت. بدیهی است چنین مجاورت قبیله‌ای نوعی اتحاد و تقسیم کار را در میان آنان به وجود می‌آورد که این باعث می‌شد هم استقلال خود را از دست ندهند و هم از پیوستن قبایل به یکدیگر مخالفت می‌کردند. یعنی اصرار بر چنین شیوه‌ای موجب شد که به مرحله شهرنشینی نرسند. به طوری که کسی به شهرتی دست می‌یافت در حد قبیله‌ای بود و کسی به نام مکی شهرت پیدا نمی‌کرد. چون انتساب به قبیله معمول و متداول بود و ملیت و افتخار به قبیله منسوب بوده است.

دارالندوه

شاید اجتماعات رسمی قریش برای مذاکره و مشاوره در حوزه خصوصی و عمومی در دارالندوه صورت می‌گرفت. دارالندوه خانه قصی بن کلاب بود که دری به جانب کعبه داشت. دارالندوه نخستین خانه‌ای بود که در مکه ساخته شد و مردم به پیروی از آن برای خود خانه ساختند.

ندوه مشتق از ندی و نادى و به معنی مجلس است. مردم برای مشورت در امور خود در آنجا گرد هم می‌آمدند و به حل و فصل کارها می‌پرداختند.^۱

۱. سیره النبی، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۳۰.



تقسیم کار در مکه

تقسیم کار در مکه بسیار ساده و عرفی بود و از تشکیلات منسجمی برخوردار نبود.^۱ برای آشنایی بیشتر در زیر به مثال‌هایی اشاره می‌شود:

۱. درباری و پرده‌داری مکه که به عهده بنی عبدالله گذاشته شده بود.
۲. آب دادن به حجاج و نگهداری و حراست آب و تشریفات در خانه کعبه به بنی‌هاشم واگذار شده است.
۳. مهمان‌داری و غذا دادن حاجیان که بنی نوفل متصدی مهمانخانه بودند.
۴. تفال و تطیر که اعراب جاهلی با تیرهای بی‌پر مشکلات زندگی خود را با آن چاره‌جویی می‌کردند که بنی جمع آن را به عهده داشتند.
۵. متصدیان اموال اوقافی که پست بنی سهم بود. در کنار مناصب دینی، مناصب دیگری نیز وجود داشته که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. پرچم‌داری،

۲. خیمه ابزار جنگی و تجهیزات نظامی قافله با جنگ‌جویان،

۳. مشاوره و تأسیس مؤسسه حل اختلاف،

۴. تأسیس سفارت و تضمین راه‌های بازرگانی و قضا بوده است.

نظام اداری مکه بر پایه سه محور دینی، نظامی و اقتصادی قرار داشت. از آنجا که جای مؤسسه قضائی خالی بود، پیمان دفاع از حقوق افتادگان را بستند که فضل بنیانگذار آن بوده است. پیامبر (ص) در این پیمان که حقوق مظلوم از ستمگر بازستانده می‌شد، شرکت می‌کرد.^۲

۱. طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۶۵.

۲. تاریخ ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۹۲.



ویژگی اجتماعی مکه در آستانه بعثت

ساختاری اداری مکه سه ویژگی عمده اجتماعی داشت که شهر مدینه فاقد آن ویژگی بوده است.

الف) بیشتر شهروندان مکه را قریش و عشایر تشکیل می‌دادند.

ب) خصوصیت مکه با طبع بازرگانی انطباق داشت و بازرگانان با کشورهای خارج روابط بازرگانی داشتند.

ج) شهر مکه برای اعراب به جهت انجام مراسم حج تقدس ویژه داشت و از نظر درآمد و بازرگانی منبع مناسبی برای قریش بوده است.

یثرب در آستانه هجرت

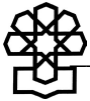
مردم شهر یثرب فاقد ساختار اجتماعی منسجم بودند و هیچ اقتدار سیاسی فراگیر یا نظام اداری جامع در آن به وجود نیامده است. یعنی مؤسسه یا سازمانی که واحدهای پراکنده را به مصالح مشترک و حیاتی پیوند دهد، وجود نداشت.

جالب این‌که پس از ورود اسلام به مدینه و اندکی پیش از هجرت پیامبر (ص) به واسطه دوراندیشی پیامبر تکوین نظام اداری در این شهر آغاز شد.

استقرار حکومت اسلامی

استقرار حکومت اسلامی به واسطه هجرت صورت گرفت. هجرت دوره بزرگی از تاریخ حکومت اسلامی بوده است.

پیامبر (ص) برای تأسیس نظام اداری شهر مدینه با چند مشکل عمده مواجه بوده است:



الف) شهر یثرب از نظر شهروندی فاقد هرگونه نظام اداری منسجم بود.
ب) روابط دو قبیله اوس و خزرج و رابطه آن‌ها با یهودیان بسیار نگران‌کننده بود.

ج) سه گروه که دشمن اسلام بودند، در این شهر زندگی می‌کردند. این گروه شامل اعرابی مانند خثمه، بنو واقف، بنو سلیم و منافقینی که با طرح سیاسی اسلام و تشکیل حکومت مخالف بودند و یهودیانی که مخالفین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اسلام بودند.^۱

پیمان برادری

در حکومت اسلامی نخستین قانونی که شکل گرفت پیمان برادری میان مهاجر و انصار بوده است. این پیمان نامه وظایف اولیه شهروندان را بیان می‌کند تا همکاری متقابل به وجود آید.

پیامبر (ص) در این پیمان دو کار بسیار اساسی انجام داد.

اول: احراز پیمان برادری میان مسلمانان.

دوم: آزادی دینی یهودیان و عدم تعرض به آنان.^۲

مراحل تأسیس سازمان اداری

پیامبر (ص) در سه مرحله به تناسب سازمان اداری حکومت اسلامی را تأسیس کرده است. مرحله اول از آغاز هجرت تا سال چهارم هجرت (جنگ خندق) بود. در این دوره

۱. التراتب الادرايه، عبدالحی کتانی، ج ۱، ص ۲۸۵

۲. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ج ۶، ص ۱۰۰-۱۰۱.



اداره شهر مکه و همه مسئولیت‌های حکومتی با اشراف پیامبر (ص) صورت می‌گرفت و فقط اذان و نوشتن وحی واگذار شده بود.

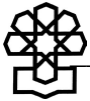
مرحله دوم بعد از جنگ خندق تا سال نهم هجری (فتح مکه) بوده است. در این دوره اقبال مردم به اسلام فزونی یافت و پیامبر (ص) سران عشایر را که تازه مسلمان شدند به نزد قبایل خود می‌فرستاد تا به حل و فصل مشکل مردم بپردازند. مرحله سوم پس از فتح مکه تا رحلت پیامبر (ص) بود که متصرفات حکومت اسلامی توسعه یافت و شبه جزیره عربستان به منطقه جغرافیایی اسلام درآمد و تحولات کمی و کیفی در سازمان اداره اسلامی به وجود آمده است.

مرکز حکومت اسلامی

مسجد مرکز حکومت و اداره دولت اسلامی بوده است. همه امور دولت اسلامی در مسجد صورت می‌گرفت و در هیچ دوره‌ای از حکومت اسلامی در زمان پیامبر (ص) جابه‌جایی در مرکز حکومت صورت نگرفت.

در اسلام نخستین مسجدی که بنا شد مسجد قبا بود. در این دوره نه مسجد بنا شد که همه مساجد مرکز عبادت، آموزش و انجام امور حکومتی و اداری بوده است. پیامبر (ص) در مسجدالنبی که مرکز حکومت اسلامی شد، نمایندگان را به حضور می‌پذیرفت و سفرایی را به مأموریت‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و نظامی به کشورهای مختلف می‌فرستاد.^۱

۱. التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۵.



مدیریت حکومتی

مدیریت حکومتی، فن اداره کردن حکومت و سازوکاری برای روش‌مند کردن و سامان‌دهی سازمان حکومتی در جامعه انسانی است. این فن به جهت توسعه مفهومی و معنایی، در دوره‌های مختلف دچار تحول اساسی شده است. ساختارهای جدید مدیریت حکومتی بیانگر چنین ادعایی است.

تبیین مدیریت حکومتی

سیمای حکومت نبوی را با طرح مباحثی از مدیریت حکومتی شروع می‌کنیم. بشر تاکنون چند مدیریت حکومتی را بر شانه دیگر مدیریت‌ها تجربه کرده است.

الف) مدیریت سنتی،

ب) مدیریت کلاسیک،

ج) مدیریت علمی،

د) ترکیبی از سه مدیریت.

مدیریت حکومتی، اندیشه‌ای در گذر تطور و تکامل استمراری است. پیدایی این وضع بخش بزرگی از اندیشه حکومت‌سازی را توجیه می‌کند تا هر مدلی بر شانه مدل گذشته در افق جدیدی شکل گیرد.

مدیریت سنتی حکومت، به شکل فطری بنیاد یافته و برای همه قابل فهم بوده است. مدیریت کلاسیک حکومتی، برپایه تفکر بوده که اغلب با تفکر فلسفی همراه گردیده است. مدیریت علمی حکومت، مبتنی بر شیوه تجربی است که حکومت‌های لیبرال چنین داعیه‌ای دارند. مدیریت ترکیبی حکومت در مجموعه تئوری‌ها قرار دارد که ممکن است موفق یا ناموفق باشد. در این مدیریت، تلفیقی از مدیریت‌ها به صورت سازگار شکل می‌گیرد.



وظایف حکومت اسلامی

حکومت اسلامی چند وظیفه اصلی دارد:

الف) برنامه‌ریزی حکومتی که اصلی فراگیر برای تعیین هدف، پیش بینی فرایند کار، تهیه نقشه و ارائه خط‌مشی لازم جهت ساماندهی و کنترل حوزه عمل حکومت است. پیامبر (ص) فرمود: عمل باید با عقل و تدبیر انجام داده شود و بدون تدبیر و آینده‌نگری اقدام نگردد.^۱ امام علی (ع) نیز تصمیم بدون دوراندیشی را عاری از فایده دانسته است.^۲

در حکومت نبوی (ص) کلمه «تدبیر» به نحوی مفاهیم سه‌گانه «تعیین هدف، تهیه نقشه و پیش‌بینی» را به همراه دارد. حکمت علوی نیز با طرح مسأله دوراندیشی، چنان مفاهیمی را در خود دارد. بنابراین در این دو مدل، به برنامه‌ریزی حکومتی توجه ویژه‌ای شده است.

ب) هماهنگی بین وظایف متعدد حکومتی است. پیامبر (ص) برترین مدیر و فرمانروا را کسی می‌دانست که استعدادها و سلیق مختلف حکومتی را در چتر مدیریت حکومتی گرد هم آورد. در مقابل بدترین مدیر حکومتی را کسی می‌دانست که مجموعه هماهنگ و هم سو را پراکنده کند.^۳ امام علی (ع) در فرازی تأکید کرده است که فرمانروا باید مرکز و محور باشد و آسیاب امور را به دور خود بچرخاند.^۴

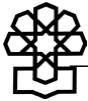
ج) فرمانروا با کنترل و نظارت حکومتی و آگاهی از صحت و سقم مدیریت‌ها و فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری می‌کند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳. نگرشی بر مدیریت در اسلام، ج اول، ص ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۵۸.



نظارت حکومتی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در نظارت مستقیم، شخص امور حکومتی را بدون واسطه کنترل می‌کند. البته چنین کنترلی در حکومت‌های توسعه یافته و سازمان‌های گسترده ممکن نیست و چه بسا ورود به آن ذهن را از توجه به کلیات باز می‌دارد.

علی (ع) در مباحث کلان حکومتی به این نکته اشاره کرده است. در حکمت علوی آمده کسی که ذهن خود را به غیر مهم مشغول کند به امور مهم ضرر می‌رساند.^۱ نظارت غیرمستقیم حکومتی، نظارتی است که از طریق دستگاه‌های حکومتی صورت می‌گیرد. این شیوه از نظارت، در عصر کنونی متداول است و شاید در وضع کنونی کشورداری، راهی جز این وجود نداشته باشد. نظارت بر سه نوع است:

۱. نظارت عرفی (نظارت افکار عمومی)،

۲. نظارت اجتماعی (نظارت احزاب و نخبگان سیاسی)،

۳. نظارت حکومتی (نظارتی طبق الگوی ملی و دینی)،

هر سه نظارت در مواضعی تأثیر گذارند و نظارت سوم در حوزه عملی حکومت از اهمیت ویژه برخوردار است. نظارت حکومتی به نحوی دو نظارت پیشین را در بر دارد و علاوه شامل اموری می‌شود که دو نظارت دیگر نسبت به آن سکوت کردند. مانند احراز حق عمومی، تبیین مصالح ملی و طرح، عدالت اجتماعی و دینی برای احراز حقانیت جمعی.

حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر نظارت و مراقبت برای رسیدن به سعادت است. در اسلام، اصل امر به معروف و نهی از منکر، طرح جامع برای روح نظارت حکومتی است. در این طرح، مفاهیم هر سه نظارت به نحوی نهفته است.

در اسلام، حاکم با چنین تفکری حکومت را به دست می‌گیرد و به صورت طبیعی نظارتی فراگیر اعمال می‌کند. پیامبر (ص) زمانی که والی یا امیری منصوب می‌کرد،

۱. غررالحکم، ص ۹۵.



همواره فرد دیگری را برمی‌گزید تا به صورت آشکار یا نهانی مراقب او باشد.^۱ علی (ع) در حکومت اسلامی محاسب، ناظر و عیون داشت و به آنان نیز سفارش می‌کرد که عیونی داشته باشند.^۲ بنابراین نظارت شاخص‌ترین رکن مدیریت حکومتی در حکومت اسلامی است و در حکمت نبوی و علوی جایگاهی ویژه دارد.

در وضع کنونی که حکومت‌ها توسعه یافته‌ترند، شاخص نظارت حکومتی از ضرورت بیش‌تری برخوردار است. به ویژه مجلس که مبنای اصلی قانونگذاری و حراست از قانون است، با اعمال استراتژی حکومتی می‌تواند چنین اصلی را در حوزه عملی دنبال کند.

د) مدیریت در حوزه حکومتی متفاوت با رهبری حکومتی است. رهبری حکومتی، مفهومی فراگیرتر از مدیریت حکومتی دارد و مدیریت حکومتی بخشی از آن است.

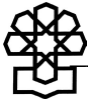
در حکومت اسلامی، رهبری شاخص‌ترین رکن حکومت است. رهبری حکومتی زمانی به معنای واقعی اعمال حکومت می‌کند که در هرم حکومت قرار گیرد. رهبری در این معنا علاوه بر اعمال حکومت از طریق قوانین و مقررات، درصدد تعالی بخشیدن روح انسانی است. این نکته با مطالعه در سیره حکومت نبوی و علوی دانسته می‌شود.

ه) سازماندهی حکومت طبق قوانین و مقررات و بر پایه روحیات متعالی انسان است. با این مقدمه وارد در حکومت نبوی می‌شویم. این کار با مطالعه در سیره نبوی ممکن می‌شود تا با معیاری روشمند گام‌های اصولی در شناخت حکمت نبوی برداشته شود.

در حکومت نبوی، سازمان‌های مختلف حکومتی وجود داشته که هر یک وظایفی داشته‌اند. البته چنانچه مجموعه سیره حکومتی پیامبر (ص) مشاهده شود، وظایف حکومتی در ساختار حکومت نبوی شناخته می‌شود. وظایف حکومتی در حکومت

۱. نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص ۹۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۱.



نبوی به چند سازمان تقسیم شده است. در آغاز مسأله وزارت را در حکومت نبوی بررسی می‌کنیم تا وضعیت پیدایش آن در حکومت اسلامی شناخته شود.

تشکیل حکومت اسلامی

تشکیل حکومت اسلامی با هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه آغاز شد. اگرچه وقایع پیش از هجرت در روند شکل‌گیری حکومت اسلامی بی‌تأثیر نبود؛ ولی بنیاد حکومت اسلامی از مکه به مدینه بوده است.

بیعت مسلمانان مدینه، مشکل تشکیل حکومت اسلامی را ساده‌تر کرد. چون تشکیل حکومت اسلامی با خواست مردم همراه شد و موانع تشکیل حکومت از بین رفت.

نکته برتر، فرمان الهی و تصمیم نبوی است. چون هجرت از مکه به مدینه به فرمان خدا انجام شد و حکومت الهی فراهم آمد.

پیامبر (ص) پس از ورود به مدینه با فرمانی مبادی تشکیل حکومت اسلامی را فراهم آورد. در این فرمان سه نکته محوری وجود دارد:

۱. ساخت مسجد که ارتباط آفریده با آفریننده توجیه شود،

۲. برقراری رابطه برادری بین مهاجرین و انصار،

۳. سامان دادن سیاست داخلی و خارجی.

پیامبر (ص) در تشکیل حکومت اسلامی اهدافی را دنبال می‌کرد که احیای آن برای جامعه اسلامی لازم و مفید است. اهداف حکومتی زیربنای مادی و معنوی دارد. هدف معنوی، دعوت به توحید و دوری از شرک و به دست آوردن سعادت در سرای جاودانه است. هدف مادی، ارتقای زندگی بشری در اجتماع و برقراری مناسبات انسانی و سیاسی است. در عین حال ورود به سعادت معنوی از مسیر سعادت مادی می‌گذرد.

با این مقدمه هدف از بعثت انبیاء تشکیل حکومت جهت اصلاح امور مادی و معنوی



انسان‌هاست. علی (ع)، پیامبر (ص) را هم نجات دهنده معنوی، هم مصلح امور دنیوی می‌داند.^۱ عمده دغدغه انبیاء از تشکیل حکومت، بر پایی عدالت در جامعه است. در قرآن تصریح شده است که خدا پیامبران خود را با دلایل روشن و همراه با کتاب و میزان فرستاده تا مردم برای برپایی عدالت برخیزند.^۲

جالب است که بدانیم ظهور امام مهدی (ع) نیز برای برپایی عدالت و از بین بردن هرگونه ستم است. قیام مهدی (ع) در طول جهاد پیامبر (ص) قرار دارد که برای گسترش عدالت در زمین است. بنابراین همان‌گونه که اطاعت از پیامبر (ص) لازم است، اطاعت از امامی که جانشین اوست بایسته است. این نکته در کلام امام علی (ع) آمده که خلافت و حکومت پس از پیامبر (ص) از نبوت سرچشمه می‌گیرد و در میان اهل بیت استقرار دارد.^۳

وزارت در حکومت اسلامی

مباحث سازمان حکومتی را با وزارت حکومتی که تفاوت اساسی با وزارت در اصطلاح کنونی دارد، شروع می‌کنیم و در حوزه آن به کاوش می‌پردازیم. شاید این بحث به صورت مستقیم تناسبی با سنت تاریخی حکومت نبوی نداشته باشد؛ ولی در حوزه عملی تاریخ حکومت اسلامی نکته‌های قابل ملاحظه در آن وجود دارد.

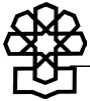
وزیر مشتق از وزر و به معنی سنگین است. در مواضعی وزیر به معنای پناهگاهی است که در کارهای دشوار به نظر و تدبیر او پناه می‌برند.^۴ وزیر در سنت

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۴.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۸.

۴. تاریخ سیاسی اسلام، ص ۴۴۹.



اسلامی کسی است که مورد اعتماد دینی و عقلی باشد.^۱

در مورد چگونگی شکل‌گیری وزارت چند نظریه وجود دارد:

الف) شروع وزارت از حکومت نبوی بود.

ب) مسأله وزارت با خلافت شروع شد.

ج) وزارت با حکومت سفاح نخستین خلیفه عباسی آغاز شد.

نظریه نخست مبتنی بر استدلالی است که پیامبر (ص) فرمود هر کسی متولی

عملی شود و خدا بخواهد به او خوبی کند، برای او وزیر صالح قرار می‌دهد. اگر

چیزی را فراموش کرد به یادش می‌آورد و کمکش می‌کند.^۲ یا در بیانی دیگر فرمود

اگر خدا غیر از این را اراده کند به او وزیر بد قرار می‌دهد که اگر فراموش کرد به

یادش نیاورد و چنانچه به یادش آورد، کمکش نکند.^۳

پیامبر (ص) طرح مفهومی ویژه از وزیر کرد که برای همیشه حق حیات دارد.

طرح نبوی از وزارت با اصطلاح رایج متفاوت است. مراد پیامبر (ص) ناظر به جانشین

حکومتی بود که اختیارات حکومتی به او واگذار می‌شود. در حکومت اسلامی اگر

دولتی درصدد انتخاب وزیر است، الگوی نبوی سرچشمه و راهکار مناسبی است.

طبق این الگو در انتخاب وزیر چند اصل باید رعایت شود:

الف) صالح باشد،

ب) دانا باشد،

ج) هر چیزی که از ذهن دولت رخت بریست به یادش آورد،

د) دولت را کمک کند و تنها ناظر رخدادها نباشد.

در بیانی دیگر پیامبر (ص) به سه نکته کلیدی اشاره کرده که به وضوح مسأله

۱. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۷.

۲. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۷.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.



وزیر طرح شده است:

۱. خدا مرا برگزید.

۲. برای من اصحاب اختیار کرد.

۳. از میان آنان وزیری برای من قرار داد.^۱

برخی معتقدند که در حکومت اسلامی چیزی به نام وزارت وجود نداشت و پیامبر (ص) در امور حکومتی با عده‌ای از اصحابش مشورت می‌کرد. برخی دیگر بر اصالت وزیر در حکومت اسلامی تأکید دارند.

به نظر من آنچه اهمیت دارد مسأله واگذاری نقش وزیر به اصحاب و به ویژه علی (ع) است. پیامبر (ص) بعد از خود علی (ع) را نخستین شخص برای احراز حاکم در حکومت اسلامی دانسته است. به طوری که تمام وظایف وزیری را به او سپرد و او را فرد شماره دو حکومت اسلامی دانسته است.

بیشتر مورخان بر ظهور وزارت در دوره عباسی گواهی دادند. بنا به باور آنان اعراب از پادشاهان ساسانی ایران تقلید کردند و وزارت را از آنان اقتباس نمودند.^۲ در دولت اموی اندلس چیزی به نام وزیر یا وزارت وجود نداشت و کسی که امور دولت در دست او بود، حاجب (وزیر یا ذوالوزارتین) نامیده می‌شد.^۳ ابن‌خلدون نیز به این اصل تاریخی گواهی داده که در اندلس، حاجب نقش وزیر عباسیان و فاطمیان را به عهده داشته است.^۴

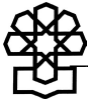
طبق این باور وزارت از آغاز حکومت عباسیان در تشکیلات اداری مسلمانان وارد شد. در دوره گذشته چنانچه در امور حکومتی با کسانی مشورت صورت

۱. ترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۷.

۲. عبقریه الاسلام، ص ۱۵۵.

۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۲۹.

۴. مقدمه ابن‌خلدون، ص ۳۲۷.



می‌گرفت، وزیر نامیده نمی‌شدند.

مسعودی معتقد است خلفای بنی‌امیه از نامگذاری کسی به وزیر امتناع می‌کردند و مدعی بودند شأن خلیفه برتر از آن است که وزیر داشته باشد.^۱ البته چنین تصویری با سیره حکومتی نبوی منافات دارد و پیامبر (ص) در مواضع مختلفی مبادرت به مشورت می‌کرد و بر ضرورت وزیر گواهی می‌داد.

ابوسلمه حفص بن سلیمان نخستین وزیری بود که در دوره اسلامی جامه وزارت پوشیده است. او نخستین خلیفه عباسی بود که چنین جامه‌ای پوشید و سپس این منصب جدید به تدریج قوانین و مقرراتی پیدا کرد و دارای حدود و اختیاراتی شد. مسعودی از کسانی در تاریخ اسلامی نام می‌برد که درباره وزرای حکومتی کتاب نوشتند. مانند محمد بن یحیی صولی، محمد بن داود بن حماح، محمد بن عبدوس الجمشیاری و ابن‌الماشطه از این مجموعه بودند.^۲

سازمان و سازماندهی حکومتی

هر سازمان از گروه یا چند نفر در ساختاری به نظم درآمده تعیین شده که برای هدفی با یکدیگر همکاری می‌کنند. البته زمانی سازماندهی انجام می‌گیرد که به منظور رسیدن و دست یافتن به هدفی، پیوندی میان افرادی به وجود آید.

سازمان و سازماندهی حکومتی، راهبردی برای تقسیم کار حکومتی است. در راهبرد حکومتی، وظایف هر کس به صورت منطقی مشخص شده تا به طور منطقی موجب همگرایی و همسان‌سازی شود. در همسان‌سازی حکومتی هم سلسله مراتب حکومتی توجیه می‌شود و هم در تلفیق واحدسازی هماهنگی به عمل می‌آید.

۱. التنبیه و الاشراف، ص ۲۹۴.

۲. التنبیه و الاشراف، ص ۲۰۵.



در ساختار سازمانی، چارچوب سازمانی برای تقسیم کار و هماهنگی در عین الگوهای متفاوت نشان داده می‌شود. ساختار سازمانی، وضعیت سازمانی را توجیه می‌کند و آن را بر گونه منطقی به تصویر می‌کشد. در این وضعیت جهت دادن اطلاعات، توزیع اختیار حکومتی، تعیین و کنترل همه واحدها در موقعیت سازمانی در دو ساختار رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد.

سازمان حکومتی پیامبر (ص) سازمانی به مثابه جهان واقع بوده است. اگرچه در حکومت نبوی آرمان‌های بزرگ حکومتی دنبال می‌شد؛ ولی آن نیز بیانگر حالت واقعی در جهان واقع بوده است. بنابراین واقع‌گرایی و تلفیق آن یا جهان واقع بر پایه وضعیت بشری، اصل نخست در حکومت‌سازی است.

مرکز حکومت پیامبر (ص) در مدینه بود که نقش ستادی و برنامه‌ریزی را به عهده داشت و سیاست‌های کلی از آن‌جا به جامعه اسلامی ابلاغ می‌شد. اعمال سیاست‌های کلی به سه صورت بود:

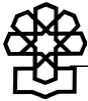
- الف) شفاهی،
- ب) نوشتاری،
- ج) پیکتی.

در عین حال پیامبر (ص) نظارت و کنترل را جدی می‌گرفت و توسعه این مفهوم در ساختار حکومتی او قابل ملاحظه است. به ویژه در این حکومت به سه اصل «تشویق، تنبیه و عزل» توجه ویژه شده که در کتاب «تراتیب‌الاداریه» به تفصیل نوشته شده است.

در سازمان حکومتی پیامبر (ص) اصولی وجود دارد که فهم و به‌کارگیری آن معیار عملی برای تبیین زیرساخت‌های حکومت اسلامی خواهد بود. مانند اطاعت‌پذیری، رعایت سلسله مراتب حکومتی،^۱ ولایت و اولویت پیامبر (ص)،^۲ حجیت

۱. نساء، آیه ۵۷.

۲. احزاب، آیه ۶.



فرمان پیامبر،^۱ مرجعیت در منازعات،^۲ اجازه خواستن از پیامبر،^۳ لزوم احترام به پیامبر،^۴ مرکزیت پیامبر، تمرکز اختیار^۵ و امور مالی است.

مؤسسه آموزش

مؤسسه آموزش شامل سه بخش آموزش همگانی، آموزش معارف دینی و نویسندگان بوده است. پیامبر (ص) آموزش همگانی را در اولویت قرار داده بود. یعنی هم به آموزش امور دینی توجه داشت و هم درخصوص آموزش خواندن و نوشتن به صحابه امی در مدینه عنایت ویژه نشان داد. به طوری که شرط آزادی هر یک از اسرای جنگ بدر را که خواندن و نوشتن می‌دانستند، تعلیم ده نفر از صحابه قرار داده است.

پیامبر (ص) به زیدین ثابت دستور داد سرپرستی امور ترجمه و پاسخ‌نامه‌ها را به عهده گیرد و زبان سریانی بیاموزد. همچنین راجع به تعلیم حرفه‌وفن که در اختیار یهودیان بود تأکید داشتند و علاوه بر خواندن و نوشتن، شنا و تیراندازی را در دستور آموزش قرار داد. بنابراین پیامبر (ص) سیاست آموزشی ویژه داشت و به آموزش همگانی اهتمام خاصی نشان داد.

پیامبر (ص) تعلیم مسائل دینی را از وظایف عمومی دانسته و سواد را به تعلیم امور دینی موظف کرد. ایشان هم خود مسائل دینی را تعلیم می‌داد و هم تعدادی را برای امر تعلیم برگزید و آنان را به‌عنوان نماینده به سوی قبایل اعزام می‌کرد تا تعلیم دینی دهند.

گروهی از نویسندگان مانند علی (ع)، عثمان بن عفان، ابی بن کعب و زیدبن ثابت

۱. حشر، آیه ۷.

۲. نساء، آیه ۶۵.

۳. نور، آیه ۶۲.

۴. نور، آیه ۶۳.

۵. نساء، آیه ۸۳.



نوشتن وحی را به عهده داشتند. تعدادی در امور فردی، اجتماعی، قبایل و مسائل مربوط به آن‌ها را می‌نوشتند. همچنین زیدبن ثابت نامه‌هایی را که برای پادشاهان بود می‌نوشت.^۱

سازمان اداری

سازمان اداری در اصطلاح کنونی به نحوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با وزارت کشور است. این سازمان، برنامه‌ریزی و اداره کشور و استان‌ها را به عهده دارد که با نصب استانداران و فرمانداران به آن سامان می‌دهد.

این شیوه در زمان پیامبر (ص) متداول بود و پیامبر گرامی اسلام زمانی که فتح عربستان صورت گرفت، ولایت داران و امیرانی برای نواحی و شهرهای بزرگ معرفی کرد و این روند در دوره بعدی توسعه یافت. پیامبر (ص) بعد از فتح مکه عتاب بن اسید را به فرمانداری مکه منصوب کرد.^۲ او نخستین امیر شهر بود که در حکومت نبوی پیشینه‌ای نداشته است. البته امیر بر جهاد پیشینه‌ای داشته که در مدینه صورت گرفته است. مانند قیس بن مالک در همدان، عدی بن حاتم در منطقه طُی و عمر بن حزم در یمن، استانداران دوره جهاد بودند.^۳

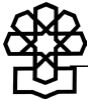
سازمان قضائی

دستگاه قضائی بعد از ریاست دولت مهم‌ترین بخش کشورداری در حکومت نبوی بوده است. سازمان قضائی اسلام در مدینه و دیگر شهرهای اسلامی همزمان با

۱. الوزراء والکتاب، ص ۴۰، ۴۲.

۲. دولة الرسول، ص ۲۶۲.

۳. الاصابه، ج ۵، ص ۲۶۴.



تشکیل حکومت اسلامی با اشراف پیامبر (ص) تشکیل شد و متناسب با نیاز جامعه اسلامی به تدریج رشد پیدا کرد.

برای نخستین بار در حکومت نبوی مسئولیت مدنی در جرم و کیفر میان اعراب مطرح شد. در دوران جاهلیت اگر کسی جرمی انجام می‌داد، مسئولیت آن جرم تمام بستگان و قبیله را در برمی‌گرفت. اسلام با اعلان اصل «لاتزر وازرة و زراخری» ارزش نادرست جامعه بدوی را محکوم کرد.^۱

در زمان پیامبر (ص) قضاوت به دو صورت انجام می‌گرفت:

الف) قضاوت مستقیم پیامبر (ص)،

ب) نصب قاضی از جانب پیامبر (ص).

پیامبر (ص) هم تبلیغ شریعت اسلامی را به عهده داشت و هم در مسائل مورد اختلاف داوری می‌کرد.^۲ پیامبر گرامی اسلام (ص) مأمور به تبلیغ بود و بر پایه آن حکومتی تشکیل داد تا عدالت اسلامی را در جامعه به وجود آورد. بدیهی است در مواضعی که تعارضی رخ می‌داد، برای برپایی حق داوری می‌کرد.

پیامبر (ص) در نصب و عزل قاضی خود تصمیم می‌گرفت و افراد با صلاحیت را به عنوان قاضی برمی‌گزید. پیامبر (ص) همان گونه والی نصب می‌کرد، در مورد قاضی نیز خود تصمیم می‌گرفت و عزل و نصب‌ها در اختیار او بود.^۳

پیامبر (ص) اهتمام ویژه به قضاوت و احراز و برپایی حق در جامعه داشت. این اهتمام بر اثر ارتباط وثیق مسأله قضاوت با عدالت اسلامی بوده است.^۴ پیامبر با سیره عملی قضاوت، کار قضاوت را از کاهنان و یهودیان گرفت^۵ تا قضاوت اسلامی شکل گیرد و عدالت اسلامی احراز

۱. اخبار القضاة همدانی، ج ۱، ص ۸۹.

۲. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۴۵۴.

۳. نظام الاداره والحکم فی الاسلام، ص ۵۵۵.

۴. دولة الرسول، ص ۲۷۲.

۵. اخبار القضاة، ج ۱، ص ۸۶.

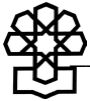


گردد. پیامبر (ص) نخستین قاضی در دولت اسلامی و تنها قاضی مدینه بود.^۱

پیامبر (ص) در مواضعی کسانی که دارای صلاحیت قضاوت بودند را برای شهرهای دیگر به عنوان قاضی بر می‌گزیدند. برای نمونه علی (ع) را به عنوان قاضی به یمن فرستاد. البته برخی مورخان علی (ع) را قاضی مدینه از طرف پیامبر (ص) می‌دانند.^۲ مورخانی معاذبن جبل،^۳ ابوموسی اشعری^۴ را قاضی می‌دانند. برخی آنان را در سلک والی قرار دادند.^۵ در سیره ابن هشام، ابوبکر، عمر، عبدا. مسعود، ابی بن کعب وزید بن ثابت از طرف پیامبر (ص) به عنوان قاضی برگزیده شدند.^۶

پیامبر (ص) در تقسیم کار علاوه بر نصب قاضی افرادی را برای ازدواج و طلاق^۷ و ثبت اسناد و املاک^۸ منصوب نمود که در ساختار اداری امروز زیر مجموعه دستگاه قضایی به شمار می‌آیند. یا سعیدبن سعیدالعاص را بر بازار مکه^۹ و برخی زنان را بر امور حسبه^{۱۰} و کسانی را در مواضعی برای منع خرید و فروش نصب^{۱۱} نموده است.

۱. نظام اداره و الحکم فی الاسلام، ص ۵۵۵.
۲. نظام اداره فی الحکم فی الاسلام، ص ۵۵۵.
۳. اسد الغابۃ ج ۵، ص ۱۹۵.
۴. نظام الحکم فی اداره فی الاسلام، ص ۵۵۵.
۵. همان، ص ۵۵۵.
۶. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۵۸.
۷. البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۵۰.
۸. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۸۶.
۹. اسد الغابۃ، ج ۲، ص ۳۹۱.
۱۰. همان، ص ۲۸۵.
۱۱. همان، ص ۲۸۵.



سازمان فنی

سازمان فنی در اصطلاح امروز در ردیف دبیرخانه قرار دارد که دارای دبیرخانه و مجموعه‌ای از نوشته‌های دفتری و غیره است. حکومت پیامبر (ص) چنین تشکیلاتی داشت و ابن عساکر نویسندگان دبیرخانه را بیش از ۲۳ نفر دانسته است.^۱

برای نمونه علی (ع) میثاق صلح حدیبیه را نوشته است. برخی از مورخان ابوبکر را نویسنده عهدنامه‌ها می‌دانند.

در سازمان فنی عبدا. بن ارقم مسئول دبیرخانه و عثمان بن عفان کاتب وحی بوده است.^۲

سازمان مالی

زمانی که شهرهای «حجاز، یمن، شام و عراق» و به ویژه همه جزیره العرب به فتح مسلمانان درآمد، خمس، جزیه و صدقات به سمت دولت اسلامی سرازیر شد. بدیهی است برای جمع‌آوری، ثبت و ضبط و توزیع عادلانه دستگاہی به وجود آمد که امور مالی نامیده شده است.

پیامبر (ص) زمانی که با ملوک اقالیم مهادنه^۳ می‌کردند، درهم و دیناری که از آنان دریافت می‌شد، برای تداوم جامعه اسلامی به مصرف می‌رساندند. پیامبر (ص) کار مالی را به کسانی واگذار می‌کرد که متخصص باشند.

الف) مصدق: مصدق کسانی بودند که از واجدین شرایط، صدقات و زکات دریافت

۱. اسد الغابۃ ج ۲، ص ۱۱۴.
۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۴۸.
۳. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۱۴.
۴. آشتی کردن و صلح نمودن با یکدیگر.



می‌کردند. پیامبر (ص) افرادی را برای جمع‌آوری مالیات و صدقات در حوزه‌های مختلف معین کرد.^۱ مانند علی (ع) را به نجران، عدی بن حاتم را به بنی‌سعد،^۲ علاء بن حضرمی به بحرین، ابی امیه بن المغیره به صنعا و ...^۳ برای جمع‌آوری مالیات و صدقات بودند. در مجموع حدود ۲۸ نفر عاملان مالیات و صدقات که به صورت رسمی از طرف پیامبر (ص) منصوب شدند.

ب) مستوفی: مستوفی کسانی بودند که پیامبر (ص) آنان را انتخاب کرده بود تا مالیات و صدقات را از مصدقان جمع‌آوری کنند و به رسول گرامی اسلام (ص) برسانند.^۴

علی (ع) مستوفی پیامبر (ص) بود که صدقات و جزیه‌ها را از مصدقان جمع‌آوری می‌کرد. البته پیدایی چنین موردی اغلب به سال پایانی حیات پیامبر (ص) مربوط می‌شود.^۵ حاجب بن زراره الدارسی تمیمی مستوفی پیامبر (ص) برای دریافت صدقات بنی تمیم بود.^۶

ج) مؤزع: مؤزع کسانی بودند که از جانب پیامبر (ص) پولی دریافت می‌کردند و آن را بین مردم توزیع و تقسیم می‌کردند.

علی (ع)، زیدبن مالک انصاری و ابی سفیان از طرف پیامبر (ص) مأموریت داشتند که به قبیله بنی خدیمه، بنی قریظه مکه بروند و اموالی را بین مردم تقسیم کنند. البته تقسیم این اموال از سه جهت بود.

۱. از بابت دیه،

۲. مقداری کمک،

۱. ترتیب الاداریه، ص ۳۹۶.

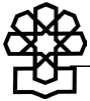
۲. دولة الرسول، ص ۲۸۲.

۳. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۸.

۴. اسدالغابة، ج ۵، ص ۴۱۰.

۵. همان، ص ۴۱۰.

۶. همان، ص ۴۱۰.



۳. برای خرید سلاح.^۱

د) خارص: خارص کارشناسی است که قیمت متاعی را تشخیص می‌دهد. پیامبر (ص) در هر موردی کارشناس ویژه داشت تا امور بر پایه کارشناسی بچرخد.

مانند ابن حمید که کارشناس نخل بود.^۲ عبدالله بن رواحه خرمای اهالی خیبر را تخمین می‌زد.^۳ عتاب بن اسید مأموریت داشت نخل و انگور را قیمت‌گذاری کند.^۴

هـ) کاتبان صدقات: نویسندگان صدقات کسانی بودند که وظایف ثبت و ضبط صدقات، مالیات و آمار و ارقام را به عهده داشتند.

زبیربن عوام نویسنده صدقات بود و جهم بن صلت و حذیفه بن یمان در سمت معاونت او فعالیت می‌کردند.^۵

ی) مسئولیت‌های دیگر: تقسیم کار در حکومت پیامبر (ص) فزون بر امور یاد شده است. تقسیم کار در حکومت نبوی به تناسب تخصص‌های متعدد صورت گرفته است.

در حکومت نبوی ابوهریره، وکیل بود که زکات رمضان را محفوظ نگه دارد.^۶ خزاعه بن عبد نهم مسئول قبض مغنم بود.^۷ عبدا... بن کعب انصاری مسئولیت خمس

را به عهده داشت.^۸

۱. همان، ص ۴۴۴.

۲. همان، ص ۴۹۹.

۳. همان، ص ۴۹۹.

۴. همان، ج ۳، ص ۵۵۶.

۵. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۴۸.

۶. ترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۴۱۱.

۷. اسدالغابة، ج ۲، ص ۱۲۲.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۲۷.



استراتژی سیاست خارجی پیامبر (ص) با ارسال نامه‌ها به سران کشورها شکل گرفت. مانند نامه پیامبر به پادشاه ایران و سلطان نجاشی. پیامبر (ص) با ارسال نامه‌ها به حاکمان جهان چند هدف مشخص را دنبال می‌کرد:

الف) ابلاغ پیام الهی به همه مردم جهان و طرح جهانی بودن پیام الهی،

ب) جایگزین کردن منطق وحی به جای جنگ و هیاوو،

ج) نفی کشورگشایی و برپایی عدالت و مسئولیت الهی و احراز حقانیت،

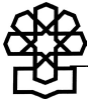
پیامبر (ص) در سال هفتم هجری نامه‌هایی به حاکمان به سران کشورها ارسال نمود و همه را به اسلام دعوت کرد. پیامبر (ص) در این نامه‌ها یادآوری کرد که اگر اسلام را نپذیرند، مسئولیت گمراهی مردم به عهده آنان است و چنانچه بپذیرند در امان خواهند بود.

نامه‌های پیامبر (ص) به سران کشورها به عنوان اسناد سیاسی اسلام در آثار تاریخی برجای مانده است. به ویژه در کتاب «جمهرة رسائل العرب» و «مکاتیب الرسول» مضبوط شده است.

این نامه‌ها در حوزه عملی، الگویی به مثابه استراتژی سیاست خارجی حکومت اسلامی است. در این نامه‌ها، خطوط کلی سیاست خارجی حکومت اسلامی تبیین شده است. البته پیامبر (ص) پس از این که دولت اسلامی شکل گرفت و استراتژی حیات اسلامی متحول شد، در شش سال دوم بعد از صلح حدیبیه با پادشاهان ممالک مکاتبه کرده است.^۱

پیامبر (ص) در مدینه دارالضیافه تشکیل داد تا هیأت‌هایی که برای دیدار و تشریف جهت مقاصد حکومتی نزد پیامبر می‌آیند از آنان پذیرایی شود. البته دارالضیافه، به دارالضیافان و دارالکبری نیز نامیده شده است. در آغاز در خانه حمید

۱. دولة الرسول، ص ۲۸۶.



بن عبدالرحمن بن عوف پذیرایی صورت می‌گرفت و سپس در خانه رمله دختر حارت النجاریه شام و نهار تهیه می‌کردند و بلال بن رباح مسئول غذای آنان بوده است.^۱

سفرای پیامبر (ص)

سفرای پیامبر (ص) به دو صورت رسمی و غیررسمی شکل گرفت. سفرای رسمی یازده نفر بودند و سفرای غیررسمی بنا به اقتضای زمان مأموریت ویژه خارجی به آنان داده می‌شد. سفرای رسمی بنا به اسناد تاریخی که از جانب پیامبر (ص) منصوب شدند با اشاره به محل سفارت بیان می‌شوند.

۱. عبدا... بن حذافة السهمی، فارس.^۲

۲. حاطب بن ابی بلتعنه، قبط.^۳

۳. دحیة بن خلیفه کلبی، روم.^۴

۴. جعفر بن ابی طالب، حبشه.^۵

۵. شجاع بن وهب، شام.^۶

۶. سلیط بن عمر، یمامه (به پادشاه یمامه).^۷

۷. عمرو بن عاص سهمی، عمان.^۸

۸. علاء بن حضرمی، بحرین.^۹

۱. الاحکام السلطانیة، ص ۱۵۱.

۲. المخبر، ص ۷۵.

۳. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۴.

۴. البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۴۷.

۵. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۵۰.

۶. اسد الغابة، ج ۲، ص ۵۰۴.

۷. دولة الرسول، ص ۲۸۶.

۸. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۴.

۹. المخبر، ص ۷۵.



۹. مهاجر بن ابی امیه، یمن.^۱

۱۰. حارث بن عمیر، شام (ملک روم).^۲

۱۱. واحد بن سلیط عامر بن لوئی (سفیر یمامه).^۳

اغلب مأموریت‌ها در سال نه هجری که مصادف با سال‌های پایانی حکومت رسول گرامی اسلام (ص) بود اتفاق افتاد. در این سال‌ها، حکومت اسلامی جنبه جهانشمولی یافت و افکار عمومی را در جهان متوجه خود کرد.^۴

مترجمان پیامبر (ص)

پیامبر (ص) در پذیرش هیأت‌ها و مسئولان خارجی مترجمانی به زبان‌های مختلف داشت. این شیوه گرچه در دوره کنونی نیز معمول است، ولی التفات ویژه پیامبر (ص) و گستره دامنه کار در آن دوره نکته‌ای قابل تأمل است.

مانند زید بن ثابت که به زبان‌های فارسی، رومی، قبطی و حبشی آشنا بود. برخی از زبان‌دانان کار ترجمه پیامبر (ص) را به عهده داشتند و برخی دیگر در مهمانسراها و دارالضیافه هیأت‌های سیاسی را پذیرایی می‌کردند.^۵ در عین حال پاره‌ای به مهمان‌ها تعلیم می‌دادند که چگونه به پیامبر (ص) تحت بگویند که در آن دوره نوعی تشریفات به شمار می‌آمد.^۶ در مواضعی پیامبر (ص) متواضعانه از هیأت‌های سیاسی پذیرایی می‌کردند. مانند هیأت سیاسی نجاشی و شخص او که در تاریخ اسلام ثبت و ضبط شده است.^۷

۱. اسدالغابة، ج ۵، ص ۲۷۷.

۲. دولة الرسول، ص ۲۸۸.

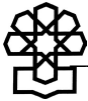
۳. تراتيب الادارية، ج ۱، ص ۱۲۰ - ۲۰۲.

۴. سيرة ابن هشام، ج ۴، ص ۱۸۴.

۵. دولة الرسول، ص ۲۸۹.

۶. سيرة ابن هشام، ج ۴، ص ۱۸۴.

۷. تراتيب الادارية، ج ۱، ص ۳۱.



سازمان نظامی

در این بخش پیامبر (ص) شفاف‌ترین تقسیم کار را صورت دادند که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) جانشینان پیامبر (ص) در مدینه: تعداد جانشینان رسول گرامی اسلام (ص) مورد اختلاف است. حداقل از ۳۵، ۳۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲ و ... در تاریخ ثبت و ضبط شده است.^۱ پیامبر (ص) در مواقعی که امکان شرکت مستقیم در جنگ نداشت، جانشین و فرماندهی نصب می‌کرد و در مواقعی که حضور داشت نیز فرماندهی برای جنگ برمی‌گزید.

مانند روایتی که محمد بن سلمه انصاری را برای اداره مدینه جانشین خود کرد.^۲ همچنین حدود سیزده مرتبه ام‌مکتوم را به جانشینی خود در مدینه برگزید. در تبوک و بیرون آمدن از مدینه برای حجة الوداع و جنگ بدر^۳ پس از ام‌مکتوم، ابالیابه را به جانشینی خود منصوب کرد.^۴ در غروة بنی‌المصطلق، جعال بن سراقه ظهري چنین منصبی را به عهده داشت.^۵ در مورد علی (ع) اختلاف نظر وجود دارد که تنها در جنگ تبوک جانشین پیامبر (ص) در مدینه بود^۶ یا در بیش‌تر غزوات جانشینی پیامبر (ص) را به عهده داشت.^۷

ب) مستنفر: مستنفر کسی است که نیروی انسانی در جنگ گرد هم می‌آورد و آنان را به

۱. همان، ص ۳۱۴.

۲. اسدالغابة، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳. سيرة ابن هشام، ج ۳، ص ۱۰۸.

۴. اسدالغابة، ج ۴، ص ۲۶۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۳۸.

۶. سيرة ابن هشام، ج ۴، ص ۱۶۳.

۷. تراتيب الادارية، ج ۱، ص ۳۱۵.



سلاحشوری فرا می‌خواند. بسر بن سفیان خزاعی و بدیل بن ام اصرم از جانب پیامبر (ص) مردم خزاعه را برای جنگ با اهل مکه که در عام الفتح استنقار کرده بودند، دعوت می‌کردند.^۱ در روایاتی بدیل و بسر بن سفیان را مأمور استنقار ابی کعب می‌دانند.^۲

ج) پرچمداران: زمانی که بریده به دین اسلام روی آورد و مسلمان شد از طرف پیامبر (ص) مأموریت یافت در ورود به مدینه (صاحب نواء) پرچم داشته باشد. او عمامه خود را بر نیزه پیچید و جلو روی خود گرفت تا به مدینه وارد شد.^۳

علی (ع)، ابوبکر، عمر، زبیر بن عوام، سعد بن معاذ، سعد بن عباد، قیس بن سعد عباد و مصعب بن عمیر، پرچمداران پیامبر (ص) در جنگ‌ها بودند.^۴ درباره نخستین پرچمدار رسول گرامی اسلام (ص) روایت‌های متعددی وجودی دارد که برخی عبیده بن الحرث بن المطلب^۵ و برخی حمزه بن عبدالمطلب^۶ و برخی دیگر عبدا... بن جحش می‌دانند.^۷

د) سازماندهی نیروی نظامی: در سنت تاریخی عرب جیش را بر پایه پنج چیز می‌دانستند که شامل «قلب، میمنه، میسره، مقدمه و ساقه» بوده است. پیامبر (ص) در سازماندهی نیروهای نظامی با التفات ویژه عمل می‌کردند و خود را ملتزم به رعایت اصول پذیرفته شده معقول می‌دانستند.^۸ بنا به روایتی زمانی که پیامبر (ص) وارد شهر مقدس مکه شد سپاه خود را به گردان‌هایی تقسیم کرد و زبیر بن عوام، سعد بن

۱. اسدالغابة، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳. همان، ص ۳۱۷.

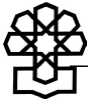
۴. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۴.

۵. اسدالغابة، ج ۳، ص ۵۵۳.

۶. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۵.

۷. اسدالغابة، ج ۳، ص ۱۹۵.

۸. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۲۵.



عباده، خالد و ابو عبیده الجراح را به فرماندهی برگزید.^۱

ه) فرمانده تیراندازی: در این مورد به دو نمونه اشاره می‌شود.

۱. در جنگ احد عبدالله بن جبیر فرمانده (امیر الرماة) تیراندازی بود.^۲

۲. در برخی از جنگ‌ها عبدالله بن جعفر چنین مسئولیتی را به عهده داشت.^۳

و) بدل: بدل‌کاری، پیکار استراتژی برای فریب دشمن بوده است. در زمان پیامبر (ص) کسانی با پوشش و زره پیامبر (ص) به جای ایشان به قلب لشکر می‌زدند و دشمن گمان می‌کرد پیامبر گرامی اسلام (ص) است. چون حفظ جان پیامبر (ص) اصلی بسیار مهم در جنگ‌ها بود و چنین استراتژی اغلب جواب داده است.

مانند کعب بن مالک روز احد زره پیامبر (ص) را پوشید و خود را به قلب لشکر زد و یازده زخم برداشت.^۴ یا در ماجرای هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه علی (ع) نظیر همین پیکار استراتژی را انجام داده است.^۵

ز) نظم و آرایش نظامی: در حکومت نبوی کسی که نظم و آرایش نظامی گروه‌ها و گردان‌ها را به عهده داشت، وازع نامیده می‌شد. کار او انسجام، آرایش نظامی و نظام جمع دادن بوده است. او با جابه‌جایی و ردیف کردن نیروها آنان را در شکلی منظم به صف می‌کرد و نظام جمع می‌داد.^۶

ح) خرید سلاح نظامی: در حکومت نبوی در مواضعی خرید سلاح‌های نظامی رخ داده است. مانند سعد بن زید بن مالک اشهملی انصاری از جانب پیامبر (ص) مأموریت یافت دسته‌ای از اسرای بنی قریظه را به نجد ببرد و معادل قیمت آنان سلاح و اسب

۱. اسدالغابة، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۹۴.

۳. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴. اسدالغابة، ج ۲، ص ۴۸۸.

۵. همان، ص ۹۵.

۶. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۳۶.



خریداری کند.^۱ سعد بن زید مسئول تهیه سلاح بود که تدارک جنگ را فراهم کند.
(ط) مُسْرَج: مسرج کسی است که مرکب‌دار نامیده می‌شود. مسرج پیامبر (ص) مرکب پیامبر گرامی اسلام (ص) را آماده می‌کرد. بلال مرکب‌دار پیامبر (ص) بود^۲ و مرکب رسول گرامی اسلام را آماده می‌کرد.

(ی) راهنمای جنگ: راهنمای جنگ کسی بود که اطلاعات لازم و مفید در خصوص دوست و دشمن داشت و در اختیار رسول خدا (ص) قرار می‌داد. در زمان هجرت مردی از هزیل راهنمای پیامبر (ص) بود.^۳ ابو حثمه بن الحرث و سعدالعرفی در جنگ احد و حدیبه از جانب پیامبر (ص) چنین منصبی را به عهده داشتند.^۴

(ک) حارص: حارص به معنای محافظ است. در تاریخ اسلام از کسانی نام برده می‌شود که محافظ پیامبر (ص) بودند. مانند سعدبن ابی وقاص و سعدبن معاذ^۵ در جنگ بدر و ابویوب انصاری و عمر بن خطاب در مکه چنین وظیفه‌ای را در زمان نماز به عهده داشتند.^۶

البته محافظت‌هایی که برای پیامبر (ص) از طرف صحابه صورت گرفت پیش از نزول آیه «والله یعصمک من الناس» بود و پس از آن از محافظت پیامبر (ص) منع شدند.^۷

(ل) جاسوس جنگی: جاسوس جنگی در هر مقطعی برای اعمال استراتژی لازم است تا از وضعیت واقعی دشمن اطلاع کسب شود. در زمان پیامبر (ص) چنین استراتژی

۱. اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۳۴.

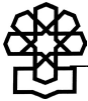
۳. همان، ج ۱، ص ۳۴۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۴۸.

۶. اسدالغابه، ج ۱، ص ۷۰.

۷. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۹.



وجود داشت و پیامبر (ص) افرادی را برای چنین کاری برگزیده بود.

مانند عدی بن ابی زعباء جهنی در جنگ بدر مأموریت پیدا کرد از موقعیت ابوسفیان برای پیامبر (ص) اطلاعاتی به دست آورد.^۱ پس از دریافت خبرهای او پیامبر (ص) علی (ع)، زبیر و سعدابی وقاص و چند نفر دیگر را برای دریافت اطلاعات بیش‌تر فرستاد.^۲

(م) امور غنائم: پیامبر (ص) برای امور غنائم مسئولی قرار داد تا از اسرا و اموال به غنیمت گرفته شده محافظت به عمل آید. عبدالله بن کعب بن عمر و بن عوف و اباسفیان بن حرب و بدیل بن ورقا مسئولیت غنائم را به عهده داشتند که شامل اسرا و اموال می‌شد.^۳

معیق بن فاطمه مسئولیت داشت که آمار غنائم را ثبت و ضبط کند. علاوه دو نفر دیگر مسئول بودند که غنائم را به فروش برسانند.^۴

(ن) تبلیغات جنگ: تبلیغات جنگ در طول تاریخ حیات ویژه داشته و همواره مورد نظر فرماندهان بوده است. پیامبر (ص) با انتخاب افراد یا گروهی را به سمت تبلیغات جنگ برگزید^۵ و مردم را به پیروزی بشارت می‌دادند.

عبدالله بن رواحه و زیدبن حارثه مسئول تبلیغات جنگ بودند که به مردم امید پیروزی می‌دادند.^۶

پیامبر (ص) با طرح شعارهای پایه اذهان را متوجه خود می‌کرد. شعارهای پیامبر (ص) در جنگ «لا اله الا الله»، لاشریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شئی

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳. اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۳۸۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۸۲.

۶. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۹۶.



قدیر» بود.^۱ این شعارها تأثیر عمیق بر دوست و دشمن می‌گذاشت و موجبات پیروزی را فراهم می‌کرد.

س) استراتژی ویژه: پیامبر (ص) برای پاره‌ای از امور حکومتی مأموریت ویژه در نظر می‌گرفت. مانند آنچه که پیش از فتح مکه سپاهی را برای فتح مکه فرستاد که بنای پیامبر (ص) بر مخفی بودن مأموریت بود. فردی به نام حاطب با نامه زنی را روانه مکه کرد تا قریش را از تصمیم پیامبر (ص) مطلع سازد.

پیامبر (ص) علی (ع) را متعاقب آن زن فرستاد و نامه را از میانه راه از او گرفت.^۲ یا در جنگ احد کسانی که مشرکان را تعقیب می‌کردند، پیامبر (ص) با فرمانی به ابی عمر و دو نفر دیگر را مأموریت داد که فرماندهی آنان را به عهده گیرند.^۳

ع) حفاظت اطلاعات: در هر دوره اطلاعات هر کشور برای آن کشور اهمیت ویژه دارد. دریافت اطلاعات از وضعیت واقعی دوست و دشمن، استراتژی برای امنیت ملی است. اگر اطلاعات تمام صورت نگیرد به صورت طبیعی پایه‌های امنیت ملی سست خواهد شد.

طبق این اصل همان گونه که دریافت اطلاعات لازم است، نگهداری آن نیز بایسته است. برای حراست از اطلاعات ناگزیر اطلاعاتی برای اطلاعات لازم است. پیامبر (ص) هر فرماندهی را که منصوب می‌کرد، مأموری را برای کنترل او بر می‌گزید.^۴

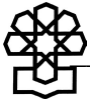
ف) پرستاری: مسأله پرستاری نکته‌ای قابل ملاحظه در تاریخ بشر است. پرستاری، استراتژی پایه برای ورود زن در عرصه شهروندی و حکومتی است. سنگ نخستین بنایی در اسلام گذاشته شده و سپس به عنوان اصل پایه در جامعه انسانی

۱. ترتیب الادرایه، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲. اسدالغایبه، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. ترتیب الادرایه، ج ۱، ص ۳۶۰.

۴. دولة الرسول، ج ۱، ص ۲۹۲.



تداوم یافته است. پیامبر (ص) توجه ویژه‌ای به پرستاری کرده است. در اسلام زنان در جنگ علاوه بر امور جانبی، نقش پرستاری را به عهده داشتند.^۱

سازمان تبلیغات

پیامبر (ص) در تبلیغ شریعت اسلامی از هر فرصتی استفاده می‌کرد و برای دستیابی به چنان هدفی برنامه‌ریزی ویژه کرده بود. پیامبر (ص) منذر بن عمر و چهل نفر از مسلمانان را که حافظان و قاریان قرآن بودند، مأمور در نجد کرد تا مردم را به اسلام دعوت کنند.^۲ شش نفر را به «عضل» و «قاره» فرستاد تا برای کسانی که تازه مسلمان شدند، مبادی دین اسلام و قرائت قرآن تعلیم دهند.^۳

پیامبر (ص) برای تبلیغات شریعت اسلامی و آگاهی افکار عمومی از چند اصل استفاده می‌کرد.

الف) مبلغ: یکی از استراتژی‌های تبلیغاتی پیامبر (ص) این بود؛ کسی که مسلمان می‌شد و در او ویژگی رهبری و مدیریت می‌دید، او را جهت تبلیغ و ترویج دین اسلام مأمور در همان منطقه می‌کرد. مانند عبدالله بن سلام که از احبار یهودی بنی قینقاع بود، مأمور شد به سوی مردم خود برود و آنان را به اسلام دعوت کند.^۴

ب) اذان: بلال یکی از مبلغان بزرگ اسلام بود. او با اذان گفتن کار تبلیغی بزرگی در اسلام انجام داد. چون اذان استراتژی تبلیغی است که اسلام را از یهود و نصاری متمایز کرده است.

در اسلام اذان، تبلیغ پایه است و در یهود و نصاری بوق و ناقوس برای چنین

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۴۶.

۳. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۷۸.

۴. دولة الرسول، ج ۲، ص ۲۹۶.



تبلیغی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ علاوه از مساجد و نماز جماعت برای تبلیغ استفاده می‌شد. به طوری که فقط در مدینه نه مسجد وجود داشت که در آن اذان گفته می‌شد و نماز جماعت برگزار می‌گردید.^۲

ج) شاعران: در حکومت نبوی در زمان جنگ برای تبلیغات از شاعران نیز استفاده شده است. عبدالله بن رواحه و حسان بن ثابت در شمار شاعران رسمی پیامبر اسلام (ص) بودند. از این شاعران در جنگ و غیرجنگ برای بالا نگه داشتن روحیه مسلمانان و برهم زدن روحیه مشرکان استفاده به عمل می‌آمد.

قرائت شعر به دو صورت فردی و دسته‌جمعی صورت می‌گرفت. قرائت شعر به صورت دسته‌جمعی به‌ویژه موجب می‌شد که مسلمانان بر خستگی چیره شوند و روحیه مناسبی برای مبارزه پیدا کنند.^۳

در آثار تاریخی اسلام بخش مستقلی در مورد درگیری و کشمکش شعرای اسلام با شعرای مشرک گشوده شده است. پدیداری چنین نزاعی بیانگر نقش مؤثر شعر و هنر در تبلیغ و دفاع از اسلام و میراث اسلامی بوده است.^۴

د) منادی: پیامبر (ص) به شعر رها شده باور نداشت و همواره به آن جهت و معنا می‌بخشید. گاهی اشعار شاعران را در مسیر اهداف اسلام قرار می‌داد^۵ تا به تبلیغ اسلام و تعالی مسلمانان منجر شود.

ربیعۃ بن خلف از جانب پیامبر (ص) منصوب شد که با صدای بلند فرمان پیامبر (ص) را تکرار کند و به گوش همه مردم برساند.^۶ چند نفر در سمت منادی فرامین

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۴۸.

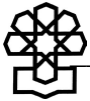
۲. تراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۷۷.

۳. دولة الرسول، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۵۱.

۵. دولة الرسول، ج ۱، ص ۳۰۰.

۶. اسدالغابة، ج ۲، ص ۲۰۹.



پیامبر (ص) را به مردم ابلاغ می‌کردند.^۱ علی (ع) در مورد ابلاغ آیات قتال در حج مأموریت داشت.^۲

سازمان تبلیغی پیامبر اسلام (ص) با عناصر و وظایفی مانند مؤذن، مبلغ، منادی، شاعر و دیگر امور شکل یافته و مسئولیت‌ها بین افراد مختلف به تناسب تخصص تقسیم شده است. شاید مثلث «مؤذن، مسجد، منبر» در شمار سازمان تبلیغات جامع اسلام بود که در مجتمع اسلامی بر پایه مجمع شریعت اسلامی به فعالیت مشغول بودند. سازمان تبلیغی پیامبر اسلام (ص) در مجموع نقش رسانه‌ای در ارسال پیام و حیاتی و فرامین پیامبر (ص) را به مردم مدینه و جهان داشتند.

سازمان امنیتی

دریافت خبر و کارهای اطلاعاتی از نوع خبرچینی، بازتاب مناسبی در افکار عمومی ندارد و اغلب از آن پرهیز می‌کنند. در عین حال از نظر حکومتی خبرچینی ضرورتی چاره ناپذیر در حراست از کیان حکومت است.

پیامبر (ص) ضرورت اجتناب‌ناپذیری آن را در حکومت می‌دانست و از این‌رو در حکومت اسلامی به آن اهتمام می‌ورزید. پیامبر (ص) با توجه به تأثیر عملی کارهای اطلاعاتی افرادی را در این جهت استخدام و منصوب کرد. مانند حذیفه بن یمان و معاون او عمار و یاسر که به کارهای امنیتی منصوب شدند تا افرادی که نظم جامعه اسلامی را بر هم می‌زنند، شناسایی کنند و مسلمانان را از آنان بازدارند.^۳ زید بن

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۴۸.

۲. تراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۷۲.

۳. اسدالغابة، ج ۱، ص ۴۶۸.



حارثه نیز چنین سمتی داشت و در تشکیلات امنیتی خبرچینی می‌کرد.^۱ در تاریخ اسلام کسانی بودند که اسلام آوردند و برای پاره‌ای از ملاحظات امنیتی مسلمانی خود را پنهان می‌کردند. مانند عباس بن عبدالمطلب که پیش از فتح خیبر اسلام آورده و مسلمانی خود را پنهان می‌کرد. وی با طرح چنین استراتژی اخبار مشرکان را برای پیامبر (ص) می‌آورد. زمانی که او تصمیم گرفت از مکه به مدینه هجرت کند، پیامبر (ص) پیشنهاد کرد در مکه ماندن او مناسب‌تر است.^۲ با توجه به ملاحظات چندگانه در سازمان حکومت نبوی، گستره حکومت پیامبر (ص) و شکل توزیع کار به اجمال بیان شده است. طبق ملاحظات گذشته، ارکان اصلی تشکیلات اسلامی مبتنی بر حکومت، تقسیم کار، سازماندهی بر پایه روایت و وحی است. این ارکان حکومتی هم حجیت دارند و هم لزوم پیروی از آن تردیدناپذیر است. البته پیدایی چنین تشکیلات حکومتی شاید عین وحی نباشد، ولی مبتنی بر روح وحیانی است و طبق الگوی وحیانی بنیاد یافته است.

نظارت حکومتی

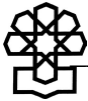
نظارت حکومتی به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم است. در مدیریت مستقیم مدیر امور را نظارت می‌کند که در سازمان‌های گسترده چنین امکانی وجود ندارد.^۳ چون در این وضعیت مدیریت از پرداختن به امور کلی باز می‌ماند. نظارت غیرمستقیم به واسطه دستگاه‌ها صورت می‌گیرد.

در وضع دیگر نظارت به سه بخش حکومتی، اجتماعی و نظارت فرد بر امور خود است. اسلام همواره به نظارت و مراقبت تأکید کرده که امر به معروف و نهی از منکر

۱. همان، ج ۱، ص ۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۵.

۳. نگرشی بر مدیریت در اسلام، ص ۹۵.



روح کلی نظارت و مراقبت اسلامی است.^۱ زمانی که پیامبر (ص) والی یا امیری را نصب می‌کرد، متعاقب آن فرد دیگری را برای مراقبت و نظارت از کارهای او منصوب می‌کرد. چون نظارت شاخص‌ترین رکن مدیریت و حکومت و جایگاهی ویژه در حکومت نبوی و علوی دارد.^۲

راهبرد حکومتی

در حکومت نبوی، تقسیم کار حکومتی در مرکز حکومتی صورت می‌گرفت. در حکومت نبوی، مسجد مرکز حکومت اسلامی بود. مرکزیت مسجد در آن دوره نوعی راهبرد حکومتی به تناسب زمان بوده است. در عین حال اصل راهبردی است که در شرایط زمانی و مکانی مشابه نیز پاسخگو است.

بنابراین مرکزیت مسجد در حکومت اسلامی در راهکاری محدود نمی‌شود و

راهبردی قابل ملاحظه در شرایط مکانی و زمانی مشابه است.

این راهبرد حکومتی موجب پیوند امارت و امامت شده است. چنین اتحادی در سیره نبوی و علوی به روشنی تبیین شده است. در این سیره اغلب استانداران و فرمانداران موظف به برپایی نماز جمعه و جماعت و اداره ولایت بودند. علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر در پرتو فرمان‌های حکومتی برای او چگونگی برپایی نماز جماعت را بیان کرده است.

پیامبر (ص) در فرمانی به معاذ بن جبل از پیوند وظایف امارت و امامت گفته است. در این فرمان آمده «بشارت دهنده باش و تنفر انگیز مباش. آسان‌گیر باش و سخت‌گیر مباش و نماز را طبق ضعیف‌ترین مأموم بر پا کن». در این فرمان علاوه بر

۱. همان، ص ۹۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۱.



راهبرد حکومتی و ابلاغ امیری، بر امام بودن نیز تأکید شده است. امام رضا (ع) با طرح مسأله امام و امیر در کنار هم مسئولیت امامت جمعه را برعهده امیر نهاده که موجب اتحاد امامت و امارات می‌شود.^۱

تقسیم کار حکومتی

تقسیم کار حکومتی برای ساده کردن وظایف حکومتی است. تقسیم کار، آموزش برای عمل طلب می‌کند تا هر کس با مهارت و آزمودگی در شغل متناسب با استعداد و علاقه قرار گیرد.

تقسیم کار حکومتی با تبیین وظایف سازمانی شروع می‌شود. تقسیم کار بر دو پایه قرار دارد:

الف) تخصص و توانایی عملی در حوزه حکومت،

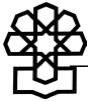
ب) تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی بر پایه منطق حکومت.

این دو اصل در طول هم قرار دارند. اگر یکی در ساختار حکومتی حذف شود، نه تنها انطباقی نخواهد بود، بلکه اصل مسأله از میان می‌رود. بنابراین مراعات اصول حکومتی راهی برای تقسیم کار حکومتی است.

پیامبر (ص) به تقسیم کار و مراعات اصول حکومتی باور داشت و خود عامل به آن بوده است. در سیره عملی پیامبر (ص) و در گفتار و نامه‌هایش چنین ویژگی به روشنی دیده می‌شود. این نوشته‌ها اغلب در سال هشتم تا دهم هجری به تحریر درآمدند.

نامه‌های پیامبر (ص) خطاب به رؤسای قبایل و نصب آنان به‌عنوان حاکم و عامل قبیله است. در این نامه‌ها پیامبر (ص) فرامینی در رعایت عدالت اسلامی، مسائل قضایی، اجتماعی، تعلیم و تربیت و با التفات به حوزه جغرافیایی قبیله و حقوق ویژه

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.



آنان صادر کرده است.^۱

برخی باور دارند که سنت عهدنامه‌نویسی چیزی جز شرح وظایف حکومتی نیست. این شیوه از زمان پیامبر (ص) و علی (ع) متداول شده است.^۲ نمونه‌ای از آن عهدنامه پیامبر (ص) به عمر و بن حزم برای مراجعت به یمن به‌عنوان والی بوده است.^۳ در این عهدنامه پیامبر (ص) پس از حمد و ستایش خدا و توصیه به تقوای الهی به نکته‌های دقیق حکومتی اشاره کرده است.

الف) شرح وظایف حکومتی

۱. حق‌مدار بودن و به حق عمل کردن.

۲. بشارت دادن به خیر و به خیر عمل کردن.

۳. تعلیم قرآن و دین‌شناس کردن مردم.

۴. پاک بودن در تماس با قرآن.

۵. اطلاع‌رسانی به مردم به چیزی که به سود یا زیان آنان باشد.

۶. آرام و ملایم بودن با مردم، حق‌مدار و سخت‌گیری با ستمگران.

۷. بشارت دادن به بهشت و اعمال بهشتی و ترساندن از آتش و عمل آتش‌آفرینی.

۸. تجمع مردم برای دین‌آموزی. (کلاس آموزش دین اسلام به صورت فراگیر).

۹. آموزش مردم در مورد قوانین حج، واجبات و مستحبات و تعلیم فرمان خدا به حج بزرگ.

۱۰. تعلیم پوشش لباس. (تعلیم نوع پوششی که مناسب و سازگار با فرهنگ دینیباشد).

۱۱. آراستن مو و نبستن آن پشت سر.

۱۲. نهی از قبیله و عشیره‌گرایی و تمایل به خداگرایی.

۱. تاریخ تحول دولت و خلافت، ج ۱، ص ۵۷.

۲. مسلمانان در بستر تاریخ، ج ۱، ص ۶۵.

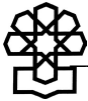
۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۱.



۱۳. دعوت مردم به دائم وضو بودن.
۱۴. خواندن نماز به وقت و تمام کردن رکوع و سجود و تعلیم اوقات نماز.
۱۵. فراخواندن مردم به نماز جمعه و غسل جمعه.
۱۶. دریافت سهمی از غنایم، مغانم و خمس از مردم.
۱۷. تابع بودن هر یهودی و نصرانی که اسلام آورده به قوانین اسلام.
۱۸. جزیه دادن هر یهودی و نصرانی که اسلام نیاورده و گرنه در شمار دشمن خدا، رسول خدا و مؤمنان خواهد بود.
- عهدنامه‌های پیامبر (ص) مبتنی بر وحی است. فرمانی است که در آن ساختار حکومت آسمانی و اسلامی منعکس می‌شود.
- عهدنامه‌ای با تفاوتی برای توضیح وظایف مغاذبن حبل نوشته شده است.^۱ پیامبر (ص) زمانی که معاذبن حبل را به‌عنوان والی برگزید با وصیت و عهدنامه‌ای او را روانه کرد.^۲ در این عهدنامه شرح وظایف کارگزاران حکومتی تبیین شده است:
- (ب) شرح وظایف حکومتی**
۱. اجرای دقیق احکام اسلامی بدون سهل‌انگاری.
 ۲. آموزش و پرورش مردم تحت حکومت اسلامی.
 ۳. مدارا کردن با مردم و بخشش خطاکار جز در موارد بازداری از حق.
 ۴. از میان بردن نشانه‌های جاهلی، آداب و رسوم بر جای مانده و جز رسومی که اسلام به آن گواهی داده است.
 ۵. اهتمام به نماز و نیایش با پروردگار.
 ۶. طرح احکام اسلامی و آشکار کردن آن.
 ۷. احیای اخلاق حسنه در جامعه و پرهیز دادن از گناه و جرائم.

۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۷.

۲. تحف العقول، ص ۲۵-۲۶.



۸. تشویق مردم به فراگیری دانش سودمند در جهت اعتلای فرهنگ عمومی.
 ۹. تسلیم نشدن در احقاق حق و نترسیدن در برپایی عدل و حق.
- پیامبر (ص) به استانداران خود در یمن عهدنامه و فرمان یگانه‌ای صادر کرده است. در این نامه، نکته‌های عمیق حکومتی فزون بر دو نامه گذشته وجود دارد که به اختصار بیان می‌شود:^۱

(ج) شرح وظایف حکومتی

۱. در همه کارها از نافرمانی خدا بپرهیزید و خدا با پرهیزکاران و نیکوکاران است.
۲. حقوق را چنانکه خدا واجب کرده بستانید و آن گونه که دستور داده به کار ببرید.
۳. پرداختن به کار نیک را با رفتار خود آسان نمایید.
۴. با مردم به جدال نپردازید و قرآن ریسمان خداست که دادگری، دانش اندوزی و خرمی دل‌ها در آن است.
۵. آیه‌های محکم را به کار ببندید و همه حلال و حرام را به کار گیرید و متشابه را باور کنید.
۶. کار نیک را از نیکو کار بپذیرید و از او تقدیر کنید و کار بد را به بدکار بازگردانید.
۷. از وظایف کارگزار است که مردم را از ستم کردن به یکدیگر باز دارد.
۸. نماینده من نباید خود را نابود کند و خدا سرپرستان را یاور ناتوانان قرار داده تا بازدارندگانِ قدرتمندان از زیاده‌روی باشند.
۹. کسی که توانایی رفتن به خانه خدا را دارد، یک مرتبه به جا آوردن واجب است.
۱۰. به مردم گفته شود نماز را به موقع بخوانند و وضو کامل بگیرند.
۱۱. نماینده زکاتی را که مردم باید بپردازند، از دارایی آنان بردارد.
۱۲. باید سالمندان و حافظان قرآن را گرامی داشت و به نامداران ارج نهاد.
۱۳. قرآن را پاک نگه دارند و با وضو به دست گیرند.

۱. نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی پیامبر (ص)، (نسخه خطی) ص ۱۰۳۹.



اهمیت این نامه در فراگیری شرح وظایف سازمانی و حکومتی است. این نامه به گونه‌ای نوشته شده که برای افراد مشابه یکسان عمل می‌شود و پیامی برای همه کارگزاران حکومتی و به‌ویژه کارگزاران حکومت اسلامی در همه دوره‌های اسلامی است.

معیار انتخاب حکومتی

رکن دوم تقسیم کار سازمانی، مراعات به شکل معیار حکومتی است. در تقسیم کار حکومتی اغلب معیارها مبتنی بر «تعهد، تخصص و مسئولیت‌پذیری» است.^۱ در حکومت پیامبر (ص) تقسیم کار حکومتی طبق معیارهای سه گانه شکل گرفته است. رسول گرامی اسلام (ص) در میان اصحاب به کسانی مسئولیت می‌داد که شرایط مسئولیت‌پذیری بیش‌تری در آنان بوده است. مانند عتاب که در حکومت اسلامی به شایستگی صاحب منصب شد. وی انسانی خردمند بود و با کلام نافذ خود بر مفسدان سخت می‌گرفت و بر مؤمنان نرم‌خویی می‌کرد. او با صدای بلند می‌گفت پیامبر (ص) برای من حقوقی تعیین کرده و من در سایه آن از هر نوع کمک و هدیه‌ای بی‌نیازم.^۲

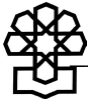
پیامبر (ص) اغلب والی‌ها را از افراد بومی انتخاب می‌کرد. مانند عتاب بن اسید که مکی بود و والی مکه شد. قیس بن مالک در همدان، عدی بن حاتم در منطقه طی و...^۳ چنین انتخابی با دو علت منطقی همراه بوده است:

الف) توجه به عوامل روانی،

۱. مدیریت اسلامی، ج ۱، ص ۳۱.

۲. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳. دولة الرسول، ج ۱، ص ۲۶۲.



ب) ارزشگذاری به احساسات منطقه‌ای. پدیداری این دو اصل موجب شد که استانداران با پایگاه اجتماعی مناسب‌تر همکاری بیش‌تری با مردم داشته باشند. مردم نیز ساده‌تر بتوانند با استانداران ارتباط برقرار کنند.

واگذاری اختیار حکومتی

از واگذاری اختیار، دو مفهوم فهمیده می‌شود:

اول) اختیار حق واقعی انسان است که از جانب آفریدگار به او بخشیده شده است.

دوم) اختیار نه طرح وجودی انسان که قراردادی بر پایه تفویضی است که به آن اختیار واگذاری گفته می‌شود.

در شالوده حکومت دو اصل بنیادی حق حیات ویژه در حکومت سازی دارند:

الف) قدرت عمل حکومتی که به تصمیم‌گیری در ارکان سازماندهی منجر می‌شود.

ب) اختیار برای احراز عمل حکومتی که وضع تصمیم‌سازی را پدید می‌آورد.

البته شمول مفهومی قدرت حکومتی فرایندی گسترده‌تر از اختیار است. در عین حال اختیار از نظر مفهومی نوعی از قدرت حکومتی به شمار می‌آید.

اصل واگذاری اختیار مبتنی بر توانایی و تواناسازی مدیران است. طبق این اصل، واگذاری اختیار فراتر از مسئولیت‌پذیری نیست و در عمل به مثابه توجیه مصلحت عمومی است.

در فرهنگ اسلامی، واگذاری اختیار و مسئولیت خواهی سنتی الهی است. خدا، انسان را آزاد و مختار آفرید و توانایی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به او بخشید و سپس از او در قبال کاری که انجام می‌دهد، مسئولیت و پاسخگویی خواسته است. در این عرصه هر



چه قلمرو اختیار گسترده‌تر باشد، مسئولیت‌خواهی نیز بیش‌تر خواهد بود.^۱ موسی (ع) نخست اختیاری را به هارون واگذار کرد و سپس از او مسئولیت و توضیح خواست.^۲ هارون نیز طبق اختیار واگذار شده به مسئولیت‌خواهی موسی (ع) پاسخ داده است.^۳

پیامبر (ص) در سیره حکومتی هم اختیارات حکومتی واگذار می‌کرد^۴ و هم از کارگزاران حکومتی بازخواست به عمل می‌آورد. پیامبر (ص) اصل پاسخگویی را برای همه یکسان می‌دانست و گرچه کارگزاران شاخصی مانند علی (ع) طبق تفویض اختیاری بر گونه تمام عمل می‌کردند.^۵

در این عصر نیز اعمال چنین اصل حکومتی طرحی عملی خواهد بود. مردم در نظام پارلمانی که نمایندگانی را برای قانونگذاری و حراست از قانون یا اجرای قانون برمی‌گزینند، در همین حکم قرار دارند. واگذاری اختیار به نماینده، نفی اختیار از مردم نمی‌کند و مردم همواره باید نمایندگان را بیابند و نمایندگان نیز لازم است در همه حال پاسخگوی اختیار واگذاری مردم باشند.

در اسلام ریشه اختیار و قدرت از خداست و سرانجام همه به او باز می‌گردد. یعنی مشروعیت هر اختیار و قدرتی بر پایه چنین معیاری سنجیده می‌شود. اطاعت‌پذیری از او به دلیل مالک و مدبر بودن لازم است و در مواضعی این حق به رسولان الهی و معصومین (ع) و اولی‌الامر به تناسب انتقال می‌یابد. شاید راز فرماندهی موسی (ع) و فرمان‌پذیری هارون در احراز چنین حقی بوده است.

طبق این اصل، انتقال اختیارات حکومتی بر پایه نمایندگی نفی مسئولیت نمی‌کند،

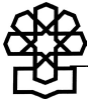
۱. سیره نبوی، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. سوره طه، آیه ۹۴.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۰.

۴. نظام الحکم فی الاسلام، ص ۱۷۲.

۵. سیره نبوی، ص ۳۰۳.



بلکه شیوه‌ای برتر برای اداره حکومت است. در این مدل همه مسئولیت‌ها به واگذار کننده باز می‌گردد.^۱ چون مسئولیت فردی قابل واگذاری نیست و هر کس مسئول امور واگذار شده و نشده خود است.

برای نمونه پیامبر (ص) خالد را برای فراخوانی بنی جذیعه به اسلام فرستاد که او آنان را کشت و اسیر و غارت کرد. پیامبر (ص) سه مرتبه رو به آسمان فرمود من از عملکرد خالد بیزارم. سپس علی (ع) را فرستاد تا از نظر مال و جان و دین جبران آنچه گذشت کند.^۲

طبق سیره پیامبر (ص) اصل بر عدم واگذاری مسئولیت است. پیامبر (ص) هم سه مرتبه اعلام بیزاری از عملکرد خالد کرد و هم نه تنها کار او را توجیه نکرد، بلکه درصدد جبران گذشته برآمد. بنابراین درحکومت نبوی، اصل رعایت اصول و سازماندهی حکومت است و به همین معنا با ملاحظه واگذاری اختیار لازم است به ساختار اصولی نیز توجه شود.

واگذاری اختیار دارای مبنای مزایا و موانعی است. واگذاری اختیار در مواضعی ممکن است که به نفی مسئولیت منجر نشود و قابل بازستاندن باشد. واگذاری اختیار با نظارت صورت می‌گیرد تا تناسب عقلانی بین اختیار و مسئولیت برقرار شود.

در مزایای واگذاری اختیار به اموری مانند فرصت‌سازی حکومتی برای انجام مسئولیت‌های بزرگ‌تر، واقعی کردن تصمیم‌های حکومتی، سرعت بخشیدن تصمیم‌گیری حکومتی و افزایش روحیه اعتمادپذیری در جامعه شامل می‌شود. موانع واگذاری اختیار شامل ناتوانی مدیریتی، و ترس و لرز نسبت به مدیریت‌های متناظر، گذر از اختیار واگذاری و عدم بازخواست منطقی می‌شود.

۱. همان، ص ۳۱۹.

۲. السیاسة الشریعة، ص ۱۷.



سلسله مراتب حکومتی

رعایت سلسله مراتب حکومتی، شاخه‌ای از وظایف حکومتی است. در حکومت مانند هر سیستمی لازم است رشته‌ای از فرامین صادر شوند و مجموعه حکومت‌شوندگان آن را اطاعت کنند. بدیهی است صدور فرمان و گردن نهادن به آن مبنای علمی طلب می‌کند.

در حکومت اسلامی هر چیزی از خدا شروع می‌شود و در رسول ادامه می‌یابد و در اولی‌الامر کامل می‌شود. در این سیستم، همه چیز به صورت رشته‌ای به هم پیوسته‌اند و برپایه اصولی سازماندهی شدند که روابط را بر پایه سلسله مراتب منطقی توجیه می‌کند.

ولایت به معنای یاری کردن و صاحب اختیار بودن است. طبق این معنی کسی که امور دیگری را به عهده گیرد، ولی او به شمار می‌آید.

در اسلام سلسله مراتب حکومتی با سلسله مراتب ولایی شروع می‌شود. یعنی پیوند وثیقی بین سلسله مراتب سازمانی و سلسله مراتب ولایی وجود دارد که در قرآن سرپرست را خدا، پیامبر و کسانی که ایمان آوردند، می‌داند.^۱

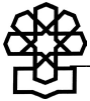
علامه طباطبایی باور دارد پیامبر (ص) بر همه شئون امت اسلامی در هدایت آنان به سوی خدا و برای حکمرانی و قضاوت ولایت دارد. طبق این اصل پیروی مطلق امت از پیامبر (ص) حق اوست. سپس ولایت پیامبر (ص) را ولایت خدایی دانسته و لازم است از او اطاعت شود.^۲

اگر در ساختار فرماندهی و فرمانبری اصل سلسله مراتب رعایت نشود، سنگ بر روی سنگ بند نمی‌شود. شاید فرمان «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»^۳ به معنای

۱. سوره نساء، آیه ۵۸، ۸۳.

۲. سوره نساء، آیه ۵۵ _ المیزان، ج ۶، ص ۱۴.

۳. دستور للامة القرآن و السنة، ص ۱۹۴.



فرمانده و فرمان دهنده باشد که دیگران در تحت فرمان او قرار گیرند.

سیره حکومتی پیامبر (ص) ساختار سیاسی و حکومت اسلامی را تبیین می‌کند. طبق این سیره لازم است از فرمان امیر اطاعت شود و گرچه مطابق میل نباشد.^۱ مانند آنچه که از همراهی اسامة بن زید رخ داده که پیامبر (ص) دستور داده فرمان اسامه را اطاعت کنید و به کسانی که از فرمان سرباز زدند با سفارشی فرمان داد که به سرعت به لشکر برگردند.^۲

پایه سلسله مراتب حکومتی در حکومت نبوی آیه «اطيعوا... و اطيعوا الرسول و اولی‌الامر منکم»^۳ است. در این آیه سه مراتب ولایی در طول هم بیان شده است:

الف) از خدا اطاعت کنید،

ب) از رسول خدا اطاعت کنید،

ج) از اولی‌الامر اطاعت کنید.

صاحبان فرمان در شکل ظاهر معصومین (ع) هستند. در شکل عام شامل همه منصوبان که از جانب پیامبر (ص) در عهدنامه‌ها و شرح وظایف تبیین شده می‌شود. بنابراین اصل سلسله مراتب حکومتی در همه سطوح حکومت اسلامی به صورت آشکار در قالب مراتب ولایی یا فرامین ولایی بیان شده است.

اصول حکومت نبوی

در ساختار حکومت نبوی به سه اصل حکومتی توجه ویژه شده است:

الف) رعایت اصول تقسیم کار حکومتی،

۱. نظام الحکم فی الاسلام، ص ۲۲۸.

۲. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۰.

۳. سوره نساء، آیه ۵۹.



ب) واگذاری اختیار حکومتی با همراهی مسئولیت‌پذیری،

ج) طرح سلسله مراتب قدرت حکومتی.

اصول سه‌گانه زیربنای تشکیلات حکومت نبوی هستند. این اصول، استراتژی برای تشکیل حکومت اسلامی می‌باشند تا با مدیریت رحمانی، عهدنامه‌ها و وصایای پیامبر (ص) در اجتماع و مناسبات انسانی صورت عملی پیدا کنند.

حکومت نبوی هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی، الگوی مناسب برای حکومت اسلامی است. از نظر ساختاری رعایت اصول سه‌گانه در تشکیل حکومت و به ویژه در تعمیق آن چاره‌ناپذیر است. از نظر محتوایی توجه به ویژگی‌های مدیریت حکومتی که در عهدنامه‌ها آمده و رعایت تقوای الهی، عدالت‌ورزی و مسئولیت‌پذیری لازم است، بنابراین طبق حکومت نبوی، مدیر حکومتی در جامعه اسلامی باید «دیندار، عدالت‌محور، خردمند و مسئولیت‌پذیر» باشد.

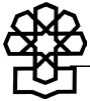
نکته برتر ویژگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری حکومتی پیامبر (ص) است. ساختار حکومت پیامبر (ص) به دلیل توانایی تشکیلاتی و تعمیق محتوایی، انعطاف‌پذیری ویژه داشت و همان موجبات رشد و اعتلای حکومتی را فراهم کرده است.

خاصیت انعطاف‌پذیری حکومتی طرحی است که ساختار و روش‌های توانا و مناسب را از دیگری می‌گیرد و با اعمال استراتژی، ویژگی حکومتی خود را به دیگری انتقال می‌دهد. مانند آنچه از نظام اداری که به سبک دفاتر و دواوین قدیمی ایران تنظیم شده است.^۱ یا فرمان رسول گرامی اسلام (ص) بر طلب علم و گرچه در چین باشد.^۲ بنابراین اصل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شیوه متداول در حکومت نبوی بوده است.

سیمای حکومت نبوی نشان داده که پیامبر (ص) روحیه انعطاف‌پذیری ویژه

۱. خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۲۸۳.

۲. مدیریت اسلامی، ص ۲۸.

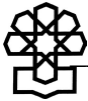


داشته و در همه احوال به سنت‌های خوب و مفید احترام می‌گذاشت. احکامی که پیامبر (ص) صادر می‌کرد به صورت تأسیسی و تأکیدی بود که نشان از انعطاف‌پذیری در پذیرش و عدم پذیرش بوده است. این روحیه در دوره بعدی به صورت فرهنگی ممتاز ادامه یافته و مبنای حکومتی تلقی شده است.

طرح حکومت نبوی، راهی فراروی دولت اسلامی در دوره‌های اسلامی است. این طرح، الگویی روشمند است که حکومت‌های اسلامی طبق آن ساخته شوند و براساس چنین سنگ محکی آزموده گردند.



۱. کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اهل البيت عليه السلام، تهران.
۲. الحسين بن شعبة البحراني، تحف العقول، چاپ بيروت.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۲، نشر المكتبة الاسلاميه، تهران، ۱۳۶۲.
۴. بن هشام، عبدالملك، السيرة النبويه، نشر المكتبة العبيكان، رياض، ۱۹۹۸ ميلادی .
۵. فيض الاسلام، على نقى، نهج البلاغه، نشر فيض الاسلام، تهران، ۱۳۷۸.
۶. غررالحكم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تميمی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. ابن كثير، الحافظ، البدايه و النهايه، نشر مكتبة المعارف، بيروت، ۱۴۱۰ هجرى.
۸. كنانى، عبدالحى، التراييب الاداريه، نشر دارالكتاب، العربى، بيروت.
۹. ابن اثير، اسدالغابة فى المعرفة الصحابه، نشر دارالاحيات التراث، بيروت.
۱۰. ابن كثير، السيره النبويه، نشر دارالمعرفه، بيروت، ۱۲۹۲ هجرى قمرى، ۱۹۷۶ ميلادى.
۱۱. فيض كاشانى، محسن، محجه البيضاء فى التهذيب، الاحياء، دفتر انتشارات اسلامى، قم.
۱۲. عسقلانى، ابن حجر، الاصابه، دارالكتاب العربى، بيروت.
۱۳. فيض كاشانى، محسن، كتاب الوافى، نشر مكتبه على (ع)، اصفهان، ۱۳۷۰.
۱۴. نراقى، مهدي، مستند الشيعه، مؤسسه آل البيت (ع)، لاحيات اتراث، قم، ۱۴۱۷ هـ
۱۵. محمد بن على بن بابويه قمى (شيخ صدوق) الامالى، مؤسسه بعثت، چاپ اول، تهران ۱۴۱۷ قمرى.
۱۶. طباطبايى، محمدحسين، الميزان، نشر دفتر جامعه مدرسين حوزه علميه، قم، ۱۳۷۹.
۱۷. ابن خلدون، مقدمه، نشر علمى و فرهنگى، تهران.
۱۸. شريف القرشى، باقر، نظام حكومتى و ادارى در اسلام، برگردان عباسعلى سلطانى، نشر آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۳۷۹.
۱۹. امين، سيدمحسن، سيره معصومان، ج ۳، ۲، برگردان على حجتى، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۶.
۲۰. الزين، حسن، الاسلام و الفكر السياسى المعاصر، نشر دارالكتب الحديث، چاپ بيروت، ۲۰۰۳ ميلادى.



۲۱. غزالى، ابوحامد، احياء علوم الدين، برگردان مؤيد الدين محمد خوارزمى، نشر علمى و فرهنگى، تهران ۱۳۷۴.
۲۲. نجفى، محمدحسن، جواهر الكلام، مؤسسه المرتضى العالميه، بيروت، ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م.
۲۳. خياط، يوسف، معجم المصطلحات العلميه و الفنىه، نشر دارلسان العرب، بيروت.



شماره مسلسل: ۷۵۲۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سیمای حکومت نبوی (ویرایش دوم)
Report Title: Aspect of Prophetic Government

نام دفتر: گروه مطالعات بنیادین حکومتی

تهیه و تدوین: سیدیونس ادیانی

ناظر علمی: —

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

منابع و مآخذ تهیه گزارش:
در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۱۱/۲۴